



www.naslenowandish.com
[e-mail:info@naslenowandish.com](mailto:info@naslenowandish.com)

موهبت‌های الهی

ماریان ویلیامسون

سیما فرجی

ویلیامسن، ماریان، ۱۹۵۲ - م. Williamson, Marianne

موهبت‌های الهی / ماریان ویلیامسن؛ سیما فرجی؛ [ویراستار زهرا جوادی‌زاده]. -- تهران: نسل نواندیش، ۱۳۸۳.

۲۸۰ ص.

ISBN: 964-412-007-8

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

عنوان اصلی: Everyday grace: having hope, finding forgiveness, and making miracles, c2002

۱. معجزه باوری. ۲. زندگی معنوی. ۳. عشق. الف. فرجی، سیما، ۱۳۵۲ -

مترجم. ب. عنوان.

۲۹۹/۹۳

BP۶۰۵/م۶۹۴

۱۳۸۳

م۸۳-۱۷۲۵۹

کتابخانه ملی ایران

مشخصات کتاب

موهبت‌های الهی

نویسنده: ماریان ویلیامسن

مترجم: سیما فرجی

ویراستار: زهرا جوادی‌زاده

ناشر: نسل نواندیش

شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: بهار ۸۴

حروفچین و صفحه‌آرا: صالحه حسینی

شابک: ۹۶۴-۴۱۲-۰۰۷-۸

ISBN: 964-412-007-8

کتابهای مورد نیاز خود را از فروشگاه انتشارات نسل نواندیش تهیه فرمایید

نشانی: میدان ولیعصر - اول کریمخان - پلاک ۳۱۲

تلفن: ۹-۶۹۵۲۵۴۷ نسل نواندیش

امیدوار باشید،

عفو و گذشت را پیشه‌ی خود سازید

و معجزه کنید

بشر جزیی از یک کل است که جهان نام دارد. این جزء، محدود به زمان و مکان است. بشر، خودش و افکار و احساساتش را به صورت جدا از دیگران درک و تجربه می‌کند. این جدایی نوعی توهم مربوط به قوه‌ی بینایی است که از آگاهی انسان سرچشمه می‌گیرد. چنین توهمی برای ما زندانی می‌سازد و محدودمان می‌کند تا فقط به آرزوها و خواسته‌های خود بپردازیم و به نزدیک‌ترین انسان‌های اطرافمان محبت کنیم. وظیفه‌ی ما این است که با گسترش دادن قلمرو مهربانی و همدردی، وجودمان را از این زندان آزاد کنیم و تمام موجودات زنده و کل طبیعت را با همه‌ی زیبایی‌هایش با آغوش باز بپذیریم. هیچ کس نمی‌تواند این کار را کامل انجام دهد اما تلاش برای انجام دادن چنین کاری برای انسان، آزادی به ارمغان می‌آورد و بذل آرامش و آسایش را در درونش می‌کارد.

آلبرت اینشتین

فهرست

مقدمه.....	۹
------------	---

بخش اول

اندیشه‌های سرشار از برکت.....	۱۷
چوبدستی‌های جادویی.....	۱۹
چوبدستی شماره‌ی ۱: معجزه‌ها به وقوع می‌پیوندند.....	۲۹
چوبدستی شماره‌ی ۲: فرشته‌ها منتظر ما هستند.....	۳۹
چوبدستی شماره‌ی ۳: قضاوت و داوری راه نور را سد می‌کند.....	۴۷
چوبدستی شماره‌ی ۴: نتیجه‌ی کار به شیوه‌ی انتخابی ما نیز بستگی دارد.....	۵۹
چوبدستی شماره‌ی ۵: سکوت مقدس وضع جهان را سر و سامان می‌دهد.....	۷۱
آنها کادابرا.....	۸۱

بخش دوم

یک روز پر برکت.....	۸۵
آغاز یک روز.....	۸۷
شنیدن اخبار.....	۹۹
کار کردن.....	۱۱۱
نیاز به شغل.....	۱۲۵

۱۳۷.....	شاد بودن.....
۱۴۳.....	احساس حبادت.....
۱۵۱.....	تصمیم‌گیری.....
۱۵۹.....	احساس خستگی.....
۱۷۱.....	بحث کردن.....
۱۸۱.....	امیدوار بودن.....
۱۹۱.....	احساس گناه.....
۲۰۱.....	غصه خوردن.....
۲۱۱.....	یادگیری همدردی.....

بخش سوم

۲۲۱.....	زندگی سرشار از برکت.....
۲۲۳.....	مراسم مذهبی.....
۲۳۳.....	روز مقدس.....
۲۴۱.....	تعطیلات.....
۲۵۱.....	روابط.....
۲۶۷.....	جامعه.....

مقدمه

باید نیروی سحرآمیز وجودمان را بیدار کنیم

پدرم عادت داشت درباره‌ی قانون بیزانسی صحبت کند. طبق این قانون، درون هیچ چیزی آن گونه که در ظاهر به نظر می‌رسد نیست. همیشه حسی داشتم که به من می‌گفت در این دنیا جای یک چیز خالی است یا حداقل مسئله‌ی مهمی وجود دارد که ما به آن نمی‌پردازیم.

من معتقدم اشتیاق برای یافتن بُعد گمشده، اشتیاقی طبیعی در وجود همه‌ی ماست و به آسانی با غفلت ما از بین نمی‌رود. این موضوع را میلیون‌ها کودک و بزرگی که مشتاقانه کتاب‌های هری پاتر را می‌خوانند در همه جای جهان به اثبات رسانده‌اند. گفته می‌شود یک داستان زمانی شکل می‌گیرد که یک نفر عادت کند حقیقت را بازگو کند. همه‌ی ما انسان‌های ناآگاهی هستیم و به راستی نیروی جادویی وجودمان را فراموش کرده‌ایم. دانشی گروهی وجود دارد که بر مبنای آن یک بُعد حقیقت در سطحی ماورای دنیای مادی ظاهر می‌شود و درک چنین دانشی سبب می‌گردد تا امروز دوباره مسائل عرفانی و اسرارآمیز در این

سیاره فعال شوند. جستجوی قطعه‌ی گمشده فقط به بچه‌ها محدود نمی‌شود. انسان‌های بالغ نیز درباره‌ی ماهیت واقعی بشری سؤال می‌کنند.

ما همچون پزندگانی هستیم که فراموش کرده‌ایم پر پرواز داریم. همچون پادشاه و ملکه‌ای هستیم که میراث سلطنتی خود را به دست فراموشی سپرده‌ایم. احساس می‌کنیم اسیر شرایطی هستیم که عملاً هیچ قدرتی برای محدود کردن ما ندارد و خود را در مقابل نیروهای ضعیف و ناتوان می‌بینیم که در قلمرو خود ما هستند. تعجبی ندارد اگر فرزندانمان به جای دنیایی که ما به آن‌ها معرفی می‌کنیم جذب دنیایی می‌شوند که در کتاب‌ها می‌خوانند، دنیایی که در آن انسان‌ها زندگی سحرآمیزتری دارند. من مشاهده کرده‌ام که دخترم مانند بسیاری از کودکان دیگر با دل و جان غرق کتاب‌های هری پاتر می‌شود. به یاد می‌آورم من هم وقتی به سن او بودم به کتاب‌های مشابهی مانند "ابتکار به موقع"، "دنیای نیمه سحرآمیز" و مجموعه‌ی "نارینا" نوشته‌ی سی. اس. لوئیس^(۱) علاقه داشتم. یک بار در لحظه‌ای پر احساس، دخترم به من گفت فقط زمانی احساس شادی می‌کند که کتاب هری پاتر را می‌خواند. متأسفانه من منظور او را می‌فهمم. فقط در آن زمان احساس می‌کند می‌تواند با همه‌ی نیروهای جادویی در ارتباط باشد.

هرگاه با خودم صادق هستم می‌دانم که من نیز مانند دخترم وقتی

نمی‌توانم نیرویی جادویی را بیایم احساس ناراحتی می‌کنم. دخنرم اما^(۱)، چندین بار از من پرسیده است: "مادر، آیا کتاب‌های هری پاتر حقیقت دارد؟ آیا به راستی دنیایی جادویی وجود دارد؟" من تا آن جا که بتوانم صادقانه به او پاسخ می‌دهم و پاسخ همیشگی مثبت است. اما وقتی درباره‌ی سطوح مختلف آگاهی صحبت می‌کنم و یا وقتی به او می‌گویم که نیروی جادویی هری پاتر در وجود همه‌ی ما نیز هست او هرگز قانع نمی‌شود. او نیروی جادویی ساده‌تری را می‌خواهد و من این موضوع را درک می‌کنم. تصور می‌کنم او نیز سرانجام روزی راهش را به سمت نیرویی جادویی که در درونش ساکن است پیدا خواهد کرد. هیچ‌کس نمی‌تواند به جای شخص دیگری چنین سفری را انجام دهد حتی والدین نیز هر چقدر هم مشتاق باشند باز نمی‌توانند به جای فرزندشان این مسیر را طی کنند. اما اگر دخترم سفر جادویی‌اش را انجام دهد پی می‌برد که نیروی جادویی هم اکنون، در اینجا و در این جهان نیز موجود است. هر یک از ما درست مانند هری پاتر نشانه‌ای بر روی پیشانی داریم. نشانه از این حقیقت خبر می‌دهد که همه‌ی ما از منبع و منشأیی سحرآمیز به وجود آمده‌ایم.

هری پاتر یک نمونه از تعداد بی‌شمار قهرمان‌های افسانه‌ای است که به نوع بشر یادآوری می‌کند انسان‌ها بسیار فراتر از آن‌چه تصور می‌کنند و هم‌چنین بسیار تواناتر از آن‌چه به نظر می‌رسند هستند. حضرت عیسی مسیح فرمود: "روزی فرا می‌رسد که شما انسان‌ها می‌توانید حتی کارهایی فراتر از من انجام دهید." آیا نباید گفته‌ی او را پذیرفت؟ و آیا آن روز، امروز

نخواهد بود؟ اگر به راستی استعداد به ثمر رساندن معجزه را داریم بنابراین زمان آن فرارسیده است که کارمان را آغاز کنیم.

این کتاب برای افرادی نوشته شده است که در جستجوی راهی هستند تا معجزه کنند. جستجو برای جام مقدس^(۱) که نیرویی معجزه‌آسا می‌بخشد، همچنین درک فطری بشر بر این مبنا که قرار است ما از محدودیت‌های دنیای فیزیکی فراتر رویم همچنان در طی دوره‌های متمادی ادامه یافته است. با این حال اکنون نیز این جستجو نه فقط برای راهبان و ماجراجویان در نقاط دوردست دنیا بلکه برای ما هم که زندگی عادی و طبیعی داریم تبدیل به آرزویی همگانی شده است. ما آرزو داریم تا معنویت را در میان مشکلات کوچک و بزرگ زندگی روزمره ایجاد کنیم. ما به اصولی معنوی احتیاج داریم تا بتوانیم بسیار فراتر از موجوداتی باشیم که فقط ظاهر زیبایی دارند. ما به این اصول نیاز داریم تا بتوانیم به معنای واقعی، زندگی خود را متحول کنیم.

در انجیل می‌خوانیم: "زمین و آسمان یکی خواهد شد." این جمله یعنی روزی فرا می‌رسد که ما روی زمین زندگی می‌کنیم اما افکاری آسمانی را در سر می‌پرورانیم. فصل مشترک زندگی مادی و معنوی در بردارنده‌ی قدرتی اسرارآمیز است که در نقطه‌ی تلاقی موجود در صلیب مسیحیان و در ستاره‌ی حضرت داوود مشاهده می‌شود. در این نقطه محور خداوند با محور بشری برخورد می‌کند. عارف امروزی انسانی است که تلاش می‌کند این نقطه‌ی تلاقی را درک کند.

۱. (افسانه‌ی قرون وسطی) جامی که حضرت عیسی در شام آخر از آن نوشید (و بعد یوسف ارمطی خون مسیح را در آن جمع کرد).

نویسنده‌ای به نام من لی پی. هال^(۱) اظهار می‌کند که: "عرفان، مذهبی خاص نیست بلکه عقیده‌ای قلبی است. "اکنون می‌فهمم سفر من که در زمان کودکی و با خواندن کتاب‌هایی درباره‌ی سحر و جادو شروع شد و سپس با کلاس‌های فلسفه، ستاره‌شناسی، تاروت و آی چینگ ادامه یافت و در نهایت به مطالعه‌ی مطالب باستانی و کتاب راه اعجاز (آموزش روانشناختی به صورت خودآموزی بر مبنای موضوع‌های معنوی جهانی) کشیده شد نمونه‌ی خوبی از سفرهای معنوی در روزگار ما به شمار می‌آید. من در گذشته انسان متفاوتی بودم البته در دهه‌ی شصت و هفتاد میلادی تعداد بسیاری از ما انسان‌های متفاوتی بودیم. من در آن زمان عکس ماه و ستاره‌ها را بر روی دیوارهای محل زندگی‌ام می‌چسباندم و هر لباسی که می‌پوشیدم آن را با جواهر تزیین می‌کردم.

اینک می‌توانم آن‌چه را در گذشته برای به دست آوردنش تلاش می‌کردم ببینم و برای خودم که همیشه فکر می‌کردم چیز بیشتری وجود دارد تأسف می‌خورم. اکنون که محکم و استوار در سال‌های میانی عمرم قرار دارم می‌توانم ببینم که سفر معنوی مدت زمانی طولانی است که روح مرا فرا خوانده و آماده‌ام تا بقیه‌ی عمرم را به این سفر اختصاص دهم و تا آنجا که می‌توانم به بهترین شیوه این مسیر را طی کنم.

جستجوگر درون ما همیشه حقیقت بیشتری را جستجو می‌کند و می‌داند که این جستجو تا ابد ادامه دارد. از طرف دیگر نیروی جادویی درونمان سعی می‌کند آن‌چه را از آن یادگرفته‌ایم در اینجا، در این لحظه و

1. Manly P. Hall

درباره‌ی هر آن‌چه مشغول انجامش هستیم تمرین کند. انسان عارف کاروزی معنوی است که نه فقط در جستجوی درک اصول آگاهی معنوی می‌باشد بلکه سعی می‌کند به بهترین شیوه‌ای که می‌تواند به این اصول عمل کند. ما این عقیده را که جهان مجموعه‌ای واحد است و فیلسوف‌های قدیم و فیزیکدان‌های جدید نیز تأییدش کرده‌اند می‌پذیریم. در این دنیا همه چیز با هم در ارتباط‌اند بنابراین اگر ما تغییر کنیم دنیا نیز چاره‌ای ندارد جز این‌که تغییر کند.

عارفان امروزی نوعی تشکیلات معنوی به وجود می‌آورند و می‌خواهند همه چیز را متحول کنند. ما در هر کجای دنیا که باشیم و به هر مذهبی اعتقاد داشته باشیم می‌توانیم سفر عرفانی را انجام دهیم؛ همان طور که عارفان از نقاط مختلف دنیا هستند و مذهب‌های متفاوتی دارند. شاید بعضی از ما به مذهب خاصی هم وابستگی نداشته باشیم با این حال باز هم سفر عرفانی امکان دارد. قلمرو عرفان ماورای همه‌ی اصول مذهبی و همه‌ی شواهد و مدارک مربوط به دنیای مادی است. سفر به دنیای عرفانی در حقیقت سفری درونی است. در این سفر از گرفتاری‌های تیره و تار دنیای بشری فراتر می‌رویم و به عشق بنیادین قلب پروردگار می‌رسیم. این کتاب را نوشته‌ام تا همراهی سیار برای عارفان امروزی باشد. افرادی که روزشان را با این امید سپری می‌کنند که کاش در این دنیا باشند اما از این دنیا نباشند^(۱)، کسانی که محکم بر زمین قدم می‌گذارند اما در

۱. به قول حافظ:

چند روزی نفسی ساخته‌اند از بدنم

مرغ باغ ملکوتم نیم از عالم خاک

سرخشان افکار آسمانی و پر قدرتی را می‌پروراند. آرزوی عارف این است که محکم و استوار روی زمین زندگی کند اما شالوده و اساس زندگیش معنوی باشد و در حقیقت می‌خواهد در درونش آگاهی زمینی و آسمانی را مخلوط کند. این آرزو فقط خواست و آرزوی ما نیست. اگر هر یک از ما پر پروازمان را پیدا کنیم تمام جهان متعالی می‌شود.

سفر عرفانی همیشه هم به آسانی صورت نمی‌گیرد. امیدوارم این کتاب نقشه‌ی کوچکی از دشوارترین گذرگاه‌ها را در اختیار تان قرار دهد. این کتاب را از دید انسانی که در این راه مهارت کسب کرده است ننوشته‌ام، بلکه من هم انسانی هستم که طی چندین دهه در زندگیم این مسیر را هر چند بی تجربه اما پیموده‌ام. تعدادی اطلاعات مفید وجود دارد که در مسیر سفرم آن‌ها را کشف کرده‌ام. همچنین در این راه به درک و دانشی رسیده‌ام همان گونه که زائران سفر عرفانی در طول قرن‌ها به این درک و دانش رسیده‌اند. تاریکی را دیده‌ام اما در دل تاریکی نیز نور اندکی مشاهده کرده‌ام.

امیدوارم این کتاب مسیرتان را روشن کند. امیدوارم همه‌ی ما از دری نورانی وارد شویم که پشت آن از ظلمت خبری نیست. امیدوارم که آسمان تاریک قلب بشر با نور حقیقت روشن گردد. امیدوارم رحمت و آرامش خداوندی اکنون و در همه‌ی روزهای زندگی شامل حالمان شود.

آمین